

وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیأت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی

زهرا باقری خواه^۱

محبوبه عارفی^۲

احسان جمالی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۴

تاریخ وصول: ۹۰/۶/۲۴

چکیده

زمینه: شناسایی وضعیت پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیأت علمی سازمان سنجش آموزش کشور و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی، زمینه انجام این تحقیق می‌باشد. هدف: هدف از انجام این تحقیق سنجش و مقایسه دیدگاه سه جامعه فوق، نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود (شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و عوامل معدل کتبی، نمره علمی، سهمیه‌ها و جنسیت) و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر (شیوه آزمون غیر متمرکز، عوامل سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) است. روش: روش تحقیق از نوع توصیفی، پیمایشی و نمونه آماری براساس جدول مورگان و نیز انتساب متناسب برای دانشجویان سه دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبایی به تعداد ۳۴۶ نفر می‌باشد. همچنین تمامی اعضای هیأت علمی و مسئولین ذی‌ربط آموزش عالی نیز در نظر گرفته شده‌اند.

۱- کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی سازمان سنجش آموزش کشور: s90_bagheri@yahoo.com

۲- استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی: m_arefi@cc.sbu.ac.ir

۳- استادیار سازمان سنجش آموزش کشور: jamali@sanjesh.org

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اکثریت دانشجویان با شیوه برگزاری آزمون (متمرکز، فراگیر) موافق بوده و اعضای هیأت علمی و مسئولین نیز با شیوه آزمون متمرکز موافق و با شیوه آزمون فراگیر مخالف می‌باشند. همچنین تفاوتی بین دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولین نسبت به شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و معدل کتبی، نمره علمی، سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت وجود ندارد. از طرف دیگر براساس نتایج بدست آمده از تفاوت دیدگاه سه جامعه می‌توان گفت که اعضای هیأت علمی و مسئولان نسبت به شیوه آزمون غیر متمرکز دیدگاهی یکسان دارند ولی دانشجویان نسبت به شیوه آزمون غیرمتمرکز با دو جامعه دیگر دیدگاهی متفاوت دارند. بحث و نتیجه گیری: براساس دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان در پاسخ به سؤالات مربوط به سهمیه‌ها مشخص است که وجود برخی سهمیه‌ها موجب بروز مشکلات عدیده‌ای از جمله ناراحتی و رنجش دانشجویان، عدم هماهنگی آنها در کلاسهای درس و ... است، لذا ادغام این سهمیه‌ها با هم یا اعمال آنها به صورت ظرفیتی اضافی در آزمون سراسری موجب رفع مشکلات و نگرانی‌ها خواهد بود. از طرف دیگر سه جامعه مسئولان، اعضای هیأت علمی و دانشجویان به ترکیبی از آزمون متمرکز و سوابق تحصیلی در آزمون سراسری تأکید داشته‌اند لذا نباید از هریک از آنها به تنهایی در آزمون سراسری استفاده نمود.

واژگان کلیدی: پذیرش دانشجو، آموزش عالی، آزمون ورودی دانشگاه‌ها، آزمون متمرکز، آزمون غیرمتمرکز، آزمون فراگیر.

مقدمه

آموزش عالی با پیشینه‌ای به قدمت بیش از هشت سده به عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت‌ها و دولت‌هاست. دستیابی به فناوریهای جدید و دانش پیشرفته که می‌تواند نقش مؤثری در تحقق و شتاب حرکت اجتماعی و اقتصادی ملل ایفا کند، صرفاً با تقویت آموزش عالی و

برنامه‌ریزی ارتقای کمی و کیفی آن میسر است (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳). هر کشور، تنها با داشتن یک نظام آموزش عالی کارا و به یاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و فارغ‌التحصیلان کار آزموده، مجرب و متخصص خود می‌تواند در جهت بررسی و تفحص در ناشناخته‌ها قدم بر داشته و از نتایج اختراعات و اکتشافات استفاده نماید.

در کشورهای در حال توسعه که نیازها با سرعت و شدت قابل توجهی تغییر می‌کند، کمبود نیروی انسانی متخصص به صورت تنگنایی در مسیر رشد اقتصادی قرار می‌گیرد و مسائل پیچیده‌ای را در بازار کار به وجود می‌آورد. برای رفع این تنگنا باید گزینش دانشجو و برنامه‌های نظام آموزشی به اندازه کافی حساب شده و دقیق باشند تا بتوانند نظام آموزش عالی را براساس احتیاجات جامعه به نیروی انسانی متخصص تنظیم کنند (مجتهدی، ۱۳۷۳).

افزایش داوطلبان برای تحصیلات عالی، گسترش مراکز آموزشی را ضروری می‌نماید. محدودیت ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، بیکاری دانش‌آموختگان، فرار مغزها، ... ضرورت انتخاب شایسته‌ترین افراد از میان متقاضیان ورود به مؤسسات آموزش عالی را مطرح می‌کند. این معضل خود باعث ایجاد حساسیت بالایی نسبت به عملکرد آموزش عالی در عامه مردم و دولت شده است. همه توقع دارند تا با فرایندی کاملاً مناسب، مستعدترین و توانمندترین داوطلبان جذب مراکز دانشگاهی شوند تا هدفهای متعالی آموزش عالی به آسانی محقق گردد. این امر به اندازه‌ای مهم و جدی است که موجب می‌شود تا شیوه‌های پذیرش دانشجو در آموزش عالی کشورمان همواره مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد تا صحیح‌ترین و مناسب‌ترین شکل و محتوا را بدست آورد. در مراکز آموزش عالی، سیستم آموزشی بر پایه سه عنصر اصلی دانشجو، محتوا و هیأت علمی استوار است. هر گونه ضعف و کاستی در این سه زمینه، موجب بروز مشکلات جدی در فرآیند آموزش خواهد شد. لذا به همان اندازه که محتوای دروس و حساسیت نسبت به گزینش اعضای هیأت علمی با اهمیت است، امر سنجش و پذیرش دانشجو نیز از موضوعات مهم و در خور توجه آموزش عالی می‌باشد.

ورود داوطلبانی که سوابق تحصیلی درخشانی ندارند و توانمندی‌های لازم را برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها کسب نکرده‌اند، آثار منفی بر کیفیت کار دانشگاه‌ها می‌گذارد (آقازاده، ۱۳۷۷). اهمیت و ضرورت پذیرش دانشجو از آن جهت واضح است که ارزش نیروی انسانی متخصص که بتواند چرخهای عظیم پیشرفت و ترقی در جامعه را بگرداند، روز به روز بیشتر احساس می‌شود. با توجه به کمبود ظرفیت دانشگاه‌ها و افزایش تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی و لزوم استفاده هر چه بیشتر از توانایی‌های جوانان و امکانات آموزشی کشور لزوم دقت و توجه در پذیرش دانشجو آشکار می‌شود (عرب مازار، ۱۳۷۱).

امروزه با افزایش تقاضای اجتماعی برای دسترسی به آموزش عالی و نیاز به نیروی انسانی ماهر برای زنجیره گسترده‌ای از مشاغل جدید و پیشرفته، ضرورت انتخاب بهترین‌ها برای ورود به آموزش عالی مطرح می‌شود. یکی از علل اساسی افزایش تقاضا برای ورود به نظام آموزش عالی افزایش سطح کیفی و تقسیم کار و پیچیدگی روزافزون مهارت‌ها و حرفه‌هاست. نظام آموزش متوسطه با اهداف قدیمی، نمی‌تواند جوابگوی نیازهای جامعه باشد و رویکردهای عمومی آن به تدریج جای خود را به رویکردهای کارکرد گرایانه‌تر می‌دهد. این تغییرات منحصر به جامعه ایران نیست بلکه می‌توان گفت این افزایش در ایران تابعی از افزایش در سطح جهانی است (رحیمی، آقابابا، ۱۳۸۴). اما دسترسی به آموزش عالی هنگامی عادلانه خواهد بود که فرصت‌های برابر، برای ورود به دانشگاه وجود داشته باشد. بدین معنی که هر داوطلب مستعد ورود به آموزش عالی، صرف نظر از هر نوع ویژگی دیگر، فرصت مساوی برای پذیرش در دانشگاه داشته باشد.

در بسیاری از کشورها، به دلیل عدم توازن میان عرضه و تقاضای آموزش عالی ساز و کارهایی برای انتخاب برگزیدگان از میان متقاضیان در نظر گرفته می‌شود. بدون شک وجود ساز و کارهایی که موجب شود، کسانی که از توانایی بیشتر برخوردارند، به عرصه آموزش عالی راه یابند تا زمانی که میان عرضه و تقاضا تعادل برقرار شود، امری ضروری است (جاودانی، ۱۳۸۶). یکی از مسائل بحث انگیز جامعه، پذیرش دانشجو برای تحصیلات عالی است. با توجه به افزایش هر ساله داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها، محدودیت ظرفیت مراکز آموزشی، تأسیس دانشگاه‌های

«شهریه‌ای»، وجود مشکلات متعدد در راه تحصیل برای خارج از کشور، کمبود مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای برای مهارت‌های شغلی دانش آموزان در دوران تحصیلات متوسطه، مشکل بیکاری دانش‌آموختگان و ... در مجموع موجب ایجاد نابسامانی‌هایی در زندگی قشر عظیمی از جوانان کشور شده است (کاردان، ۱۳۵۱).

در ایران گزینش دانشجو و نحوه انتخاب دانشجویانی که بتوانند در آینده چرخ‌های عظیم پیشرفت و ترقی جامعه را بگردانند همچنان مطرح و مورد نظر می‌باشد. در این رابطه مسئولان و دست‌اندرکاران امر آموزش عالی می‌کوشند تا با انتخاب شیوه‌های مناسب به گزینش هر چه بیشتر دانشجویان مستعد اقدام نمایند. اما وجود پاره‌ای از مسائل میان ارگان‌های دست‌اندرکار این خواسته را دستخوش تغییرات متناوب ساخته و داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها را دچار سردرگمی و مشکلات گوناگون می‌سازد (عرب‌مازار، ۱۳۷۱).

در زمینه پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران تحقیق گسترده‌ای انجام نشده است. هدف این تحقیق نیز، طرح فرضیه‌های پژوهشی در خصوص جذب دانشجو در آموزش عالی ایران نمی‌باشد. بلکه مبنای آن مطرح کردن سؤالاتی در رابطه با شرایط موجود پذیرش دانشجو در ایران بوده و درصدد است که وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران را از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیأت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذیربط آموزش عالی مورد بررسی قرار دهد. توجه به نظرات این گروه‌ها که هر کدام از مخاطبان و ذیربطان اصلی نظام آموزش عالی محسوب می‌شوند از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مسئولان و تصمیم‌گیرندگان نیز بایستی از موافقت‌ها یا مخالفت‌های مربوطه آگاهی داشته باشند و این امر جزء در سایه انجام گرفتن، بررسی‌های علمی امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا این پژوهش و سؤالات آن شکل گرفته است، تا در راستای تحقق اهداف متعالی آموزش عالی کشور کمکی هر چند ناچیز به پذیرش هر چه بهتر دانشجویان توانمند و مستعد نموده باشد. واضح است که عوامل متعددی از جمله موقعیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خانواده ... هم می‌توانند تأثیرگذار باشند. ولی در این

پژوهش عوامل مؤثر بر پذیرش دانشجو براساس مستندات موجود در سازمان سنجش آموزش کشور مورد نظر بوده است.

با توجه به موارد گفته شده فوق سؤالات پژوهشی تحقیق عبارتند از:

۱- دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولین ذیربط نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود پذیرش دانشجو (شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و عوامل معدل کتبی سال سوم دبیرستان، نمره علمی، سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت) در دوره کارشناسی چیست؟

۲- دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان ذیربط آموزش عالی نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر پذیرش دانشجو (شیوه آزمون غیرمتمرکز و عوامل سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) در دوره کارشناسی چیست؟

۳- آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه دانشجویان نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود (شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و عوامل معدل کتبی سال سوم دبیرستان، نمره علمی، سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت) و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر (شیوه آزمون غیرمتمرکز و عوامل سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

۴- آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه اعضای هیأت علمی سازمان سنجش نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود (شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و عوامل معدل کتبی سال سوم دبیرستان، نمره علمی، سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت) و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر (شیوه آزمون غیرمتمرکز و عوامل سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

۵- آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه مسئولان ذیربط آموزش عالی نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود (شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و عوامل معدل کتبی سال سوم دبیرستان، نمره علمی، سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت) و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر (شیوه آزمون غیرمتمرکز و عوامل سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

۶- آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه سه جامعه نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود (شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و عوامل معدل کتبی سال سوم دبیرستان، نمره علمی، سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت) برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

۷- آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه سه جامعه نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر (شیوه آزمون غیرمتمرکز و عوامل سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

امروزه به دلیل میزان بالای تقاضای آموزش عالی و عرضه محدود ظرفیت دانشگاه‌ها بخصوص در بخش دولتی که هزینه‌های آن توسط دولت پرداخت می‌شود، آزمون سراسری دانشگاه‌ها به مهم‌ترین رخدادهای آموزشی کشور ایران تبدیل شده است، رخدادی که در آن حجم وسیعی از نیروهای انسانی درگیر هستند و روان بسیاری از افراد جامعه، هزینه و منابع بسیاری را به خود اختصاص داده و چالش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی ... را موجب شده است. عدم تعادل بین عرضه و تقاضا، انتخاب مستعدترین افراد برای تحصیل در آموزش عالی و ... موجب ایجاد و اعمال شیوه‌های مختلف پذیرش دانشجو در ایران و جهان شده است که در ادامه به اختصار برخی از این شیوه‌ها اشاره خواهیم داشت:

شیوه‌های پذیرش دانشجو در خارج از کشور: در طول حیات آموزش عالی، دانشگاه‌های مختلف در خارج از کشور شیوه‌های گوناگونی را برای پذیرش دانشجو به کار برده، از جمله:

۱- شیوه برگزاری آزمون ورودی: بسیاری از کشورها به دلیل افزایش داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها، ناگزیر به منظور حذف تعداد مازاد بر ظرفیت که بعضی آن را «انتخاب بهترین‌ها» می‌نامند، آزمون برگزار می‌کنند. این آزمون می‌تواند به صورت متمرکز (سراسری) یا به صورت غیرمتمرکز (رأساً توسط دانشگاه) و یا تلفیقی از هر دو صورت انجام پذیرد (نیک نژاد، ۱۳۸۱).

۲- شیوه بدون آزمون ورودی: پذیرش دانشجو بدون آزمون ورودی براساس بررسی سوابق تحصیلی دوران متوسطه یا بدون در نظر گرفتن سوابق صورت می‌پذیرد (مانند کانادا، امریکا، امارت، کویت، ...).

۳- سایر شیوه‌ها: در برخی از کشورها پذیرش دانشجو به شیوه‌های دیگری نیز انجام می‌پذیرد، از جمله:

- آزمون هوش و استعداد تحصیلی، نمره آیلتس، تافل و دیپلم متوسطه (مانند انگلستان، سوئد، ارمنستان، ...).

- امتحان مقدماتی عالی، امتحان تجاری عالی، امتحان فنی عالی و داشتن دیپلم متوسطه (دانمارک).

- شرکت در امتحان تخصص و داشتن دیپلم متوسطه (فرانسه).

تحقیقاتی که در زمینه پذیرش دانشجو در خارج از کشور انجام پذیرفته است عبارتند از: گرانت هارمن^۱ در زمینه پذیرش دانشجو در آموزش عالی، به بررسی سیاست‌ها و روش‌های معمول در کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده منطقه آسیا می‌پردازد. تمرکز اصلی وی بر مقطع کارشناسی در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی با تأکید خاص بر مسئله دسترسی، برابری و ارتباط با بازار کار می‌باشد. هارمن معتقد است دلایل نگرانی مربوط به سیاست‌ها و شیوه‌های گزینش تا اندازه‌ای در کشورهای مختلف منطقه آسیا با یکدیگر متفاوت است. از جمله:

- ناکارآمدی روش‌های پذیرش دانشجو.

- ورود داوطلبان فاقد توانایی علمی به مراکز آموزش عالی.

- فقدان هماهنگی کارآمد در سیاستها و روشهای پذیرش سازمان‌های دولتی و مؤسسات

آموزش عالی.

- تضعیف کیفیت آموزشی و یادگیری در آموزش عالی به دلیل گسترش وسیع و بیش از اندازه دانشجویان ثبت نام شده.

- معیارهای ناعادلانه و جانبدارانه گزینشی.
- عدم توازن مابین بازده آموزش عالی و نیاز بازارهای کار.
- نگرانی درخصوص کیفیت نازل آموزش‌های دبیرستانی (هارمن، ۱۹۹۴).
- دان^۱ تحقیقی با عنوان «اجرای سیاست‌های استانداردهای پذیرش در دانشکده‌های دولتی ماساچوست» در امریکا انجام داده است. وی در این تحقیق ضمن تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به ثبت‌نام دانشجویان، با ۱۲ تن از مشاوران دانشگاه و دست‌اندرکاران بخش پذیرش دانشکده‌ها مصاحبه نموده و از آنان در مورد نحوه اجرای این سیاست‌ها و اثرات مربوط به آن در رویه‌های پذیرش دانشجو نظرسنجی به عمل آورده. نتایج به دست آمده عبارتند از:
- پراکندگی نمرات دانشجویان، میزان ثبت‌نام دانشجویی و میانگین امتیاز نمره‌ای تحت تأثیر اجرای سیاست‌های جدید قرار گرفته است و در نتیجه میزان ماندگاری افراد در دانشکده‌های دولتی افزایش یافته است.
- دانشجویانی که با حداقل نمره میانگین پذیرش شده بودند نیاز به گذراندن دروس جبرانی داشتند.
- دانشکده‌ها از لحاظ مقبولیت‌شان و نیز اجرای شرایط جدید سیاست‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند (دان و سالم، ۲۰۰۷).
- شیوه پذیرش دانشجو در ایران: در ایران پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور در طول زمان با تغییرات مختلفی همراه بوده است. تا وقتی که تقاضای ورود به آموزش عالی در رشته‌های مختلف کمتر از ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها بوده، نیازی به برگزاری مسابقات ورودی دانشگاه‌ها نبوده است و اکثر کسانی که دارای دیپلم متوسطه بودند بر حسب علاقه و انتخاب رشته مورد نظر وارد دانشگاه می‌شدند. عدم تناسب بین ظرفیت و تقاضا برای ورود به مراکز آموزش عالی، در مورد بعضی از رشته‌ها که در جامعه از موقعیت اجتماعی بهتری برخوردار بودند، باعث گردید که برای نخستین بار در سال ۱۳۴۲ مسابقه ورودی برای تعدادی از

دانشکده‌های دانشگاه تهران صورت گیرد. نخستین شیوه‌ای که برای انتخاب دانشجو از میان داوطلبان ورود به هر رشته دانشگاهی در ایران اعمال گردید انجام چند امتحان بود که استادان دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی سؤال‌های آن را تهیه می‌کردند و در روز یا روزهای معینی بدون آنکه کار آنان با شیوه‌هایی که در دانشکده‌های دیگر دانشگاه اعمال می‌شد، هماهنگ گردد به انجام آن مبادرت می‌ورزیدند. این روش انتخاب دانشجو در عین حال که اعضای هیأت علمی دانشکده را راضی می‌نمود، ولی دارای معایبی بوده است.

اولین مسابقه ورودی سراسری دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۲ برگزار شد. در این مسابقه ورودی امتحانات شامل مواد عمومی (زبان فارسی، زبان خارجی، اطلاعات عمومی) و نیز امتحانات اختصاصی هر یک از رشته‌های سه گانه ادبی، ریاضی و طبیعی بود که به شیوه تستی انجام گردید. تنها اوراق امتحان اختصاصی کسانی که در امتحانات عمومی نمره آنان به حد نصاب ۱۰ رسیده بود، تصحیح می‌شد و سپس فهرست اسامی پذیرفته‌شدگان اعلام می‌گردید و آنها می‌باید با توجه به علاقه و مصلحت خود، دانشگاه‌ها و رشته‌های مورد نظر را به ترتیب تقدم تعیین و کتباً اعلام می‌کردند. آنگاه عمل استخراج و تعیین پذیرفته‌شدگان هر رشته تحصیلی به وسیله دست انجام می‌شد (کاردان، ۱۳۵۱).

از سال تحصیلی ۱۳۴۲ تاکنون شرایط و ضوابط حاکم در خصوص پذیرش دانشجو به طور مداوم دچار تغییر و دگرگونی شده (مانند گروه آزمایشی، مواد امتحانی، ضرایب، دوره آموزشی، سهمیه‌ها،...) و به اقتضای شرایط، از سیاست‌های خاصی پیروی نموده است. ولی همواره پذیرش دانشجو به صورت متمرکز و سراسری برگزار گردیده است.

در زمینه پذیرش دانشجو تحقیقات محدودی صورت پذیرفته که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌نمایم.

در بررسی نظام گزینش دانشجو و اثرات آن بر توفیق تحصیلی دانشجویان دانشگاه تهران در سال‌های تحصیلی ۶۲ تا ۶۵ معتقد است که علیرغم فعالیت آموزش عالی در ایران و بهره‌مندی از رشدی شتابان در زمینه کمی، نتوانسته است جوابگوی خیل متقاضیان ورود به مؤسسات عالی و

پاسخگوی نیازمندی‌های فنی و تخصصی کشور باشد و از لحاظ کیفی به مراتب دارای نارسایی‌هایی است که می‌توان مهمترین علل آن‌را در تبعیت از الگوهای آموزشی بیگانه، عدم بهره‌مندی از امکانات آموزشی مطلوب، منطبق نبودن رشته‌های با اولویت‌های درخواستی جامعه، فقدان کادر آموزشی معرب و عدم توزیع مناسب و مفید اساتید دانست (ناظم زمردی، ۱۳۶۶). مجتهدی در پژوهشی به بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موفقیت در دانشگاه بین دانشجویان ورودی سال ۷۰-۶۹ پرداخته است. وی پس از ارائه روند پذیرش دانشجو در این سال به رابطه معنی داری بین علاقه به رشته تحصیلی و موفقیت در دانشگاه اشاره کرده و نیز تأثیر معدل کتبی سال آخر دبیرستان در پیش‌بینی موفقیت دانشجویان و مقایسه موفقیت تحصیلی سهمیه‌های مختلف را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است (مجتهدی، ۱۳۷۳). حجازی در پژوهش خود به منظور ارائه الگوی مناسب پذیرش دانشجو تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام گزینش دانشجو در ایران و کشورهای آلمان، ژاپن و انگلستان را بیان کرده است. برخی از نتایج این تحقیق عبارتند از: روش برگزاری آزمون، توجه به پیشینه تحصیلی، استفاده از سهمیه، تنوع در شیوه گزینش، استقلال عمل دانشگاه‌ها در گزینش دانشجو، عدم وجود شرط سنی برای ورود به دانشگاه، رقابت شدید برای پذیرش در دانشگاه‌های معتبر، توجه ویژه به دروس دبیرستان و پیروی از نظریه انتخاب اصلح دانشجو بوده است (حجازی، ۱۳۸۶).

همان طوری که در پیشینه پژوهش اشاره شد، تحقیقات اندکی در ارتباط با پذیرش دانشجو انجام گرفته است. لذا در این پژوهش سعی بر آن شده است تا با بررسی وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران، گامی مؤثر در جهت شناسایی شیوه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر پذیرش دانشجو بر داشته شده است.

روش

روش تحقیق توصیفی می‌باشد و جامعه آماری این تحقیق شامل جامعه دانشجویان مقطع کارشناسی آزمون سراسری ورودی سال ۱۳۸۶ دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌باشد. گروه‌های آزمایشی

اصلی آزمون سراسری شامل علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی و علوم انسانی در نظر گرفته شده و جهت انتخاب نمونه، سه دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبایی که هر کدام معرف یکی از گروه های آزمایشی می باشند، مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه اعضای هیأت علمی از سازمان سنجش و جامعه مسئولان ذیربط آموزش عالی از وزارت علوم و سازمان سنجش آموزش کشور می باشند.

در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شده، و حجم نمونه آماری براساس انتساب متناسب پس از محاسبه شامل نمونه دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف ۸۹ نفر، دانشگاه شهید بهشتی ۳۱ نفر و دانشگاه علامه طباطبایی ۲۲۶ نفر می باشند. در مجموع حجم نمونه دانشجویان طبق جدول مورگان ۳۴۶ نفر از تعداد جامعه ۳۵۴۷ نفر است و برای جامعه آماری اعضای هیأت علمی سازمان سنجش و مسئولین ذیربط آموزش عالی به دلیل محدودیت در تعداد جامعه سرشماری به عمل آمده که تعداد اعضای هیأت علمی ۲۵ نفر و تعداد مسئولان ذیربط ۲۰ نفر بوده اند. برای جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت پنج گزینه ای استفاده شده، که فرم آن پیوست شده است.

در این پژوهش با توجه به اهداف تحقیق از آمار توصیفی (شاخص های فراوانی و درصد) و روش های آمار استنباطی (مانند آزمون کای اسکور، آزمون ویلکاکسون، آزمون کراسکال-والیس و آزمون من-وینتی) با استفاده از بسته نرم افزاری اس پی اس^۱ استفاده شده است.

در جدول زیر فراوانی نمونه ها به تفکیک جنسیت ارائه شده است که براساس نتایج بدست آمده از مجموع ۲۱ نفر اعضای هیأت علمی، ۵ نفر زن (۲۳/۸٪) و ۱۶ نفر مرد (۷۶/۲٪) می باشند و از مجموع ۳۴۴ نفر دانشجویان نمونه تحقیق، ۲۳۵ نفر زن (۶۸/۳٪) و ۱۰۹ نفر مرد (۳۱/۷٪) می باشند و جامعه مسئولان همگی مرد می باشند.

1. Spss

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه‌های تحقیق به تفکیک جنسیت

جنس	جامعه	جمع کل	
		مستولان	دانشجویان
زن	فراوانی	۲۴۰	۲۳۵
	درصد	۰/۶۳	۶۸/۳
مرد	فراوانی	۱۴۱	۱۰۹
	درصد	۰/۳۷	۳۱/۷
جمع کل	فراوانی	۳۸۱	۳۴۴
	درصد	۱۰۰/۰	۱۰۰

یافته‌ها

با توجه به سؤال‌های پژوهش، یافته‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

سؤال اول: دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان ذیربط نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی چیست؟

براساس نتایج بدست آمده از سؤال اول پژوهش میزان موافقت دیدگاه سه جامعه نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود در جدول شماره ۲ و ۳ بیان شده است.

جدول ۲. دیدگاه سه جامعه در رابطه با شیوه‌ها

کاملاً موافقم	موافقم	نسبتاً موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم	
۲۵/۶٪	۲۸/۸٪	۳۰/۸٪	۱۱/۳٪	۳/۵٪	شیوه آزمون دانشجویان
۲۸/۶٪	۵۷/۱٪	۹/۵٪	۰	۴/۸٪	متمركز اعضای هیأت علمی
۴۳/۸٪	۳۷/۵٪	۶/۳٪	۶/۳٪	۶/۳٪	مسئولین
۷٪	۲۳/۸٪	۳۳/۴٪	۲۶/۷٪	۹٪	شیوه آزمون دانشجویان
۴/۸٪	۱۹٪	۲۳/۸٪	۴۷/۶٪	۴/۸٪	فراگیر اعضای هیأت علمی
۰	۶/۳٪	۱۸/۸٪	۵۶/۳٪	۱۸/۸٪	مسئولان

با توجه به نتایج جدول شماره ۲، ۳۰/۸ درصد دانشجویان با شیوه آزمون متمرکز نسبتاً موافق، ۵۷/۱ درصد اعضای هیأت علمی با شیوه متمرکز موافق و ۴۳/۸ درصد مسئولان با شیوه متمرکز کاملاً موافق بودند. در رابطه با شیوه آزمون فراگیر، ۳۳/۴ درصد دانشجویان نسبتاً موافق، ۴۷/۶ درصد اعضای هیأت علمی و ۵۶/۳ درصد مسئولان با آن مخالف بودند. براساس این جدول مشخص است که عمده دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان با شیوه آزمون متمرکز موافقت دارند و بیشتر اعضای هیأت علمی و مسئولان مخالف شیوه آزمون فراگیر می‌باشند.

جدول ۳. دیدگاه سه جامعه در رابطه با عوامل وضع موجود پذیرش دانشجو

مستولین	اعضای هیأت علمی	دانشجویان	عوامل وضع موجود	معدل کتبی
۰	۰	۲/۹٪	الف- تأثیر ۱۰۰٪ در پذیرش	
۶/۳٪	۴/۸٪	۵/۸٪	ب- تأثیر بیش از ۵۰٪ در پذیرش	
۲۵٪	۲۳/۸٪	۲۳/۵٪	ج- تأثیر ۵۰٪ در پذیرش	
۳۷/۵٪	۴۷/۶٪	۵۳/۲٪	د- تأثیر ۱۵٪ در پذیرش	
۳۱/۳٪	۱۹٪	۱۴/۲٪	ه- در پذیرش تأثیر نداشته باشد	
۱۸/۸٪	۱۴/۳٪	۹٪	الف- تأثیر ۱۰۰٪ در پذیرش	نمره علمی
۳۷/۵٪	۴۲/۹٪	۲۵/۹٪	ب- تأثیر ۸۵٪ در پذیرش	
۲۵٪	۳۳/۳٪	۳۰/۸٪	ج- تأثیر ۵۰٪ در پذیرش	
۱۲/۵٪	۴/۸٪	۱۵/۱٪	د- تأثیر کمتر از ۵۰٪ در پذیرش	
۶/۳٪	۰	۱۵/۷٪	ه- در پذیرش تأثیر نداشته باشد	
۳۱/۳٪	۵۷/۱٪	۶۴٪	الف- در پذیرش تأثیر داشته باشد	سهمیه مناطق
۱۲/۵٪	۹/۵٪	۹/۳٪	ب- رشته‌های خاص مناطق محروم	
۰	۰	۴/۷٪	ج- رشته‌های بیش از نیاز جامعه	
۱۲/۵٪	۹/۵٪	۴/۹٪	د- به دو منطقه کاهش یابد	
۴۳/۸٪	۹/۵٪	۱۴/۸٪	ه- در پذیرش تأثیر نداشته باشد	

سهیمه رزمنده	الف- تأثیر ۴۰٪ در پذیرش	۱۱٪	۱۹٪	۱۲/۵٪
	ب- تأثیر کمتر از ۴۰٪ در پذیرش	۸/۷٪	۱۴/۳٪	۱۲/۵٪
	ج- ظرفیت اضافی	۲۱/۸٪	۳۳/۳٪	۳۷/۵٪
	د- ادغام با سهمیه شاهد	۱۱٪	۹/۵٪	۱۲/۵٪
	ه- در پذیرش تأثیر نداشته باشد	۴۴/۲٪	۱۹٪	۲۵٪
سهیمه خانواده شهدا	الف- ظرفیت اضافی	۳۲/۶٪	۳۸/۱٪	۳۱/۳٪
	ب- ادغام با سهمیه رزمنده	۶/۱٪	۴/۸٪	۶/۳٪
	ج- ادغام با سهمیه شاهد	۱۷/۷٪	۱۴/۳٪	۲۵٪
	د- در پذیرش تأثیر نداشته باشد	۴۱/۳٪	۲۳/۸٪	۳۷/۵٪
سهیمه شاهد	الف- ۵٪ ظرفیت اضافی	۳۲٪	۶۱/۹٪	۶۲/۵٪
	ب- ادغام با سهمیه رزمنده	۴/۱٪	۴/۸٪	۱۲/۵٪
	ج- ادغام با سهمیه خانواده شهدا	۲۰/۳٪	۱۴/۳٪	۶/۳٪
	د- در پذیرش تأثیر نداشته باشد	۳۹/۵٪	۹/۵٪	۱۸/۸٪
پذیرش جنسیت	الف- اختصاص درصد خاص به هر جنس	۲۲/۷٪	۱۴/۳٪	۴۰٪
	ب- فقط زن یا فقط مرد	۱۲/۲٪	۲۳/۸٪	۲۰٪
	ج- تعداد مشخصی از ظرفیت به هر جنس	۷/۳٪	۱۴/۳٪	۰
	د- رقابت بر اساس نمره علمی	۵۷٪	۳۸/۱٪	۴۰٪

در جدول شماره ۳، درصد‌های مربوط به بی‌پاسخی آورده نشده است. با توجه به جدول فوق ۵۳/۲ درصد دانشجویان با تأثیر (۱۵٪) عامل معدل کتبی، ۳۰/۸ درصد با تأثیر (۵۰٪) نمره علمی، ۶۴ درصد با تأثیر سهمیه مناطق، ۴۴/۲ درصد با عدم تأثیر سهمیه رزمنده، ۴۱/۳ درصد با عدم تأثیر سهمیه خانواده شهدا، ۳۹/۵ درصد با عدم تأثیر سهمیه شاهد و ۵۷ درصد با عامل رقابت براساس نمره علمی موافق بودند. همچنین ۴۷/۶ درصد اعضای هیأت علمی با تأثیر (۱۵٪) عامل معدل کتبی، ۴۲/۹ درصد با تأثیر عامل (۸۵٪) نمره علمی، ۵۷/۱ درصد با تأثیر

سهیمه مناطق، ۳۳/۳ درصد با سهیمه رزمنده به صورت ظرفیت اضافی، ۳۸/۱ درصد با سهیمه خانواده شهدا به صورت ظرفیت اضافی، ۶۱/۹ درصد با سهیمه شاهد به صورت (۵٪) ظرفیت اضافی و ۳۸/۱ درصد با عامل رقابت براساس نمره علمی موافق بودند. نیز ۳۷/۵ درصد مسئولین با تأثیر (۱۵٪) عامل معدل کتبی، ۳۷/۵ درصد با تأثیر (۸۵٪) نمره علمی، ۴۳/۸۸ درصد با عدم تأثیر سهیمه مناطق، ۳۷/۵ درصد با سهیمه رزمنده به صورت ظرفیت اضافی، ۳۷/۵ درصد با عدم تأثیر سهیمه خانواده شهدا، ۶۲/۵ درصد با سهیمه شاهد به صورت (۵٪) ظرفیت اضافی، ۴۰٪ با اختصاص درصد خاص به هر جنس و ۴۰ درصد با عامل رقابت بر اساس نمره علمی موافق بودند.

سؤال دوم: دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان ذی ربط نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی چیست؟

براساس نتایج به دست آمده از سؤال دوم پژوهش میزان موافقت دیدگاه سه جامعه نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر در جدول شماره ۴ بیان شده است.

جدول ۴. دیدگاه سه جامعه در رابطه با سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر

کاملاً موافقم	نسبتاً موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم		
۱۰/۸٪	۲۴/۱٪	۲۷/۳٪	۲۵٪	۱۲/۸٪	دانشجویان
۰	۴/۸٪	۹/۵٪	۲۸/۶٪	۵۷/۱٪	شیوه آزمون غیر متمرکز اعضای هیأت علمی
۰	۰	۱۲/۵٪	۳۷/۵٪	۵۰٪	مسئولان
۸/۱٪	۲۱/۲٪	۱۹/۸٪	۳۲/۸٪	۱۸٪	دانشجویان
۰	۰	۱۴/۳٪	۵۲/۴٪	۳۳/۳٪	عامل سوابق تحصیلی اعضای هیأت علمی
۶/۳٪	۰	۱۲/۵٪	۳۷/۵٪	۴۳/۸٪	مسئولان
۱۱/۶٪	۲۵/۳٪	۲۷/۳٪	۲۳٪	۱۲/۸٪	دانشجویان
۲۳/۸٪	۲۳/۸٪	۳۳/۳٪	۱۹٪	۰	عامل هوش و استعداد تحصیلی اعضای هیأت علمی
۶/۳٪	۳۷/۵٪	۱۲/۵٪	۱۲/۵٪	۳۱/۳٪	مسئولان

براساس جدول فوق ۲۷/۳ درصد دانشجویان با شیوه آزمون غیرمتمرکز نسبتاً موافق، ۵۷/۱ درصد اعضای هیأت علمی و ۵۰ درصد مسئولین با شیوه آزمون غیرمتمرکز کاملاً مخالف بودند. نیز ۳۲/۸ درصد دانشجویان، ۵۲/۴ درصد اعضای هیأت علمی با تأثیر عامل سوابق تحصیلی مخالف، ۴۳/۸ درصد مسئولان با تأثیر عامل سوابق تحصیلی کاملاً مخالف بودند. همچنین ۲۷/۳ درصد دانشجویان، ۳۳/۳ درصد اعضای هیأت علمی با تأثیر عامل هوش و استعداد تحصیلی نسبتاً موافق، ۳۷/۵ درصد مسئولان با تأثیر عامل هوش و استعداد تحصیلی موافق بودند.

سوال سوم: آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه دانشجویان نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟
برای بررسی تفاوت دیدگاه دانشجویان از آزمون رتبه‌ای ویلکاکسون استفاده شده، که نتایج در جدول شماره ۵ مشخص است.

جدول ۵. تفاوت دیدگاه دانشجویان

تعداد N	میانگین رتبه	جمع رتبه‌ها
۱۹۶	۱۷۷/۷۱	۳۸۴۳۲/۰۰
۱۳۰	۱۴۲/۰۷	۱۸۴۶۹/۰۰

$$p\text{-value} < 0/0001 \text{ و } Z = -4/806 \text{ تعداد رتبه مساوی } = 18$$

براساس جدول فوق مشخص است در هر سطح معنی داری تفاوت بین دیدگاه دانشجویان در خصوص شیوه‌ها و عوامل وضع موجود با سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر برای پذیرش دانشجو وجود دارد.

سؤال چهارم: آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه اعضای هیأت علمی سازمان سنجش نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

جدول شماره ۶ نتایج آزمون رتبه‌ای ویلکاکسون را برای بررسی این سؤال نشان می‌دهد.

جدول ۶. تفاوت دیدگاه اعضای هیأت علمی

جمع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد N	
۱۸۸/۰۰	۱۰/۴۴	۱۸	رتبه‌های منفی
۲/۰۰	۲/۰۰	۱	رتبه‌های مثبت

$$p\text{-value} < ۰/۰۰۰۱ \text{ و } Z = -۳/۷۴۶ \text{ تعداد رتبه مساوی } = ۲$$

براساس جدول فوق مشخص می‌شود در هر سطح معنی‌داری، تفاوت دیدگاه نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود پذیرش دانشجو با سایر شیوه و عوامل که می‌تواند در پذیرش دانشجو اعمال شود وجود دارد.

سؤال پنجم: آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه مسئولان ذیربط نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود و سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

جدول شماره ۷ نتایج آزمون ویلکاکسون را برای بررسی این سؤال نشان می‌دهد.

جدول ۷. تفاوت رتبه‌ای دیدگاه مسئولین نسبت به شیوه و عوامل وضع موجود و سایر شیوه‌ها و

عوامل مؤثر در پذیرش دانشجو

جمع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد N	
۱۲۲/۰۰	۸/۷۱	۱۴	رتبه‌های منفی
۱۴/۰۰	۷/۰۰	۲	رتبه‌های مثبت

$$p\text{-value} = ۰/۰۰۵ \text{ و } Z = -۲/۷۹۴ \text{ تعداد رتبه مساوی } = ۰$$

براساس این جدول مشخص است در هر سطح معنی‌داری بالاتر از ۰/۰۰۵ تفاوت دیدگاه مسئولان نسبت به وضع موجود پذیرش دانشجو و اعمال سایر شیوه‌ها و عوامل جدید وجود دارد به طوری که موافقت اصلی با شیوه آزمون متمرکز می‌باشد.

سؤال ششم: آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان ذیربط نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

برای بررسی تفاوت دیدگاه‌ها از آزمون کراسکال-والیس استفاده شده است که نتایج در جدول ذیل مشخص شده است.

جدول ۸. دیدگاه سه جامعه نسبت به شیوه‌ها و عوامل وضع موجود پذیرش دانشجو

مقدار احتمال	آماره کای دو	درجه آزادی	نتایج آزمون کراسکال-والیس
۰/۰۵۹	۵/۶۶۰	۲	

براساس جدول شماره ۸ مشخص است تا سطح معنی داری ۰/۰۵۹ بین دیدگاه سه جامعه نسبت به شیوه آزمون متمرکز و عوامل وضع موجود برای پذیرش دانشجو تفاوت معنی داری وجود ندارد به عبارت دیگر دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان با شیوه آزمون متمرکز به یک میزان می‌باشد.

سؤال هفتم: آیا تفاوت معنادار بین دیدگاه دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان ذیربط نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر برای پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی وجود دارد؟

براساس نتایج بدست آمده از جدول شماره ۹ می‌توان گفت در هر سطح معنی داری بین سه جامعه، نسبت به شیوه آزمون غیرمتمرکز و سایر عوامل مؤثر بر پذیرش دانشجو تفاوت معنی داری وجود دارد. برای بررسی اینکه کدام یک از دو جامعه می‌توانند با هم در یک گروه قرار گیرند از آزمون من-ویتی استفاده شده است.

نتایج به دست آمده از آزمون من-ویتی در هر سطح معنی داری تفاوت بین دیدگاه اعضای هیأت علمی و مسئولان نسبت به شیوه آزمون غیرمتمرکز وجود ندارد. به عبارتی آنان در یک گروه و مخالف اعمال سایر شیوه‌ها در پذیرش دانشجو می‌باشند.

ولی براساس آزمون دیگرمن- ویتنی مشخص می‌شود که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان با اعضای هیأت علمی و مسئولان در خصوص اعمال سایر شیوه‌ها در پذیرش دانشجو وجود دارد.

جدول ۹. نتایج دیدگاه سه جامعه نسبت به سایر شیوه‌های پذیرش دانشجو

میانگین رتبه	تعداد N	جامعه
۱۰۱/۱۳	۱۶	مسئولان
۱۱۴/۱۹	۲۱	اعضای هیأت علمی
۱۹۹/۸۷	۳۴۴	دانشجویان
---	۳۸۱	جمع

$$t = ۲۳/۵۰۴, \text{درجه آزادی}, p\text{-value} < ۰/۰۰۰۱$$

بنابراین از مجموع آزمون‌های انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه اعضای هیأت علمی و مسئولان نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر در یک گروه و دیدگاه دانشجویان نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل مؤثر در گروه دیگر قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از آزمون سؤال اول پژوهش، نشان داد که دانشجویان نسبت به شیوه‌های برگزاری آزمون (متمرکز، فراگیر) نسبتاً موافق می‌باشند و علی‌رغم همه کاستی‌هایی که بر آن مترتب می‌دانستند، به نظر می‌رسد که آنها با پذیرش دانشجو به این شیوه‌ها به جهت اینکه طی سالیان متمادی اجرا شده است اتفاق نظر دارند. از طرفی این شیوه‌ها را با محدودیت‌های موجود کشور (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی) مناسب‌تر می‌دانند. اعمال سلیقه و امکان سوء استفاده فرصت طلبان در سیستم‌های جدید و تجربه نشده‌ای جذب دانشجو نیز اسباب نگرانی آنها می‌باشد. طبق جدول شماره ۱۳ اکثریت دانشجویان به غیر از عامل سهمیه‌ها با دیگر عوامل وضع موجود موافق و

با اعمال سهمیه‌ها (رزمنده، خانواده شهدا، شاهد) به جهت اینکه ظرفیت بیشتری به مناطق داده شود مخالف هستند، تا برای ورود به دانشگاه شانس قبولی بیشتری داشته باشند.

در رابطه با دیدگاه اعضای هیأت علمی می‌توان گفت که با توجه به اشراف آنها نسبت به شرایط عمومی جامعه و وضعیت فرهنگی - سیاسی کشور ایران، وقوف آنان نسبت به مشکلات موجود، هیچ گونه تغییری در روند فعلی پذیرش دانشجو را نمی‌پذیرند، گرچه برخی از آنها در جهت بهبود وضع فعلی و کاهش کمبودها نظراتی دارند. آنها بر این نظرند که می‌بایست ضمن حفظ شیوه‌های موجود، تغییراتی در ضوابط و اصول حاکم بر امر پذیرش دانشجو هم پدید آید (جدول شماره ۲، ۳). دیدگاه مسئولان نیز به عنوان سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و کارگزاران اجرایی می‌تواند نقش قابل توجهی در امر پذیرش دانشجو داشته باشد. در واقع نوع نگرش و شیوه عملکرد آنهاست که سهم مهمی در حل چالش‌های آموزش عالی خواهد داشت. آنها علی‌رغم، انتقادات با شیوه و عوامل وضع موجود پذیرش دانشجو موافق می‌باشند (جدول شماره ۲، ۳).

نتایج به دست آمده از سؤال دوم پژوهش نشان داد که دانشجویان نسبت به شیوه آزمون غیرمتمرکز موافقتی نسبی دارند. به نظر می‌رسد به دلیل مخالفت آنها نسبت به پدیده کنکور، یا ناشی از این نگرش باشد که در شرایط غیر متمرکز زمینه جذب آنها راحت‌تر خواهد بود. لذا برگزاری آزمون توسط دانشگاه‌ها و مراکز متعدد را علاوه بر اتلاف وقت، تحمیل هزینه اضافی بر داوطلبان می‌دانند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که اعضای هیأت علمی هیچ گونه تمایلی در به هم ریختن وضع موجود پذیرش دانشجو نشان نمی‌دهند. شاید گرایش آنها به نقاط قوت برگزاری آزمون‌های متمرکز از جمله مخالفت با شیوه غیرمتمرکز باشد همچنین ممکن است صلاحیتهایی کلی‌تر و عمومی‌تر مدنظر آنها قرار داشته باشد. در صورتی که لازم است سایر شیوه‌ها و عوامل که عمدتاً در کشورهای پیشرفته و مدرن اجرا می‌گردد نیز مورد توجه قرار گیرد و از تجارب آنها در جهت بهبود وضعیت فعلی و رفع کاستی‌ها استفاده شود. نتایج بدست آمده از نظر و دیدگاه مسئولان نشانگر این است که آنان نقش آزمون‌های متمرکز را در پذیرش دانشجو به رسمیت شناخته‌اند و شاید بر این باورند که با افزایش روز افزون داوطلبان ورود به آموزش عالی و

محدودیت ظرفیت دانشگاه‌ها و کمبود امکانات، انجام آزمونهای غیرمتمرکز، موجب بروز نابسامانی‌هایی در عرصه جذب دانشجو می‌شود. البته مطالعه و بررسی روش پذیرش دانشجو در سایر کشورهای جهان می‌تواند مسؤلان را در بهبود بخشی به سطح کیفی شیوه‌ها و روش‌های جذب دانشجو یاری نماید.

براساس نتایج به دست آمده از سؤال سوم تحقیق بین دیدگاه دانشجویان نسبت به متمرکز بودن یا نبودن شیوه‌ها و تأثیر عوامل وضع موجود (معدل کتبی، نمره علمی، سمیه‌ها و پذیرش جنسیت) و سایر عوامل (سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) برای پذیرش دانشجو تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول شماره ۵). به عبارتی اکثریت دانشجویان با شیوه آزمون متمرکز نسبتاً موافق هستند و می‌توان چنین استنباط کرد که شاید آشنایی اکثر آنها با اصول و ضوابط حاکم بر آزمون متمرکز و عدم شناخت آنها نسبت به سایر شیوه‌ها و عوامل در ایجاد این تفاوت مؤثر باشد و شاید درگیر بودن آنها در فضای کلاس‌ها و کتاب‌های کنکور و فرایند ورود به دانشگاه آنقدر جدی و تأثیرگذار هست که دیگر جایی برای تأمل و اندیشیدن نسبت به نحوه ورودشان به دانشگاه را باقی نمی‌گذارد. دغدغه جدی آنها بیشتر ورود به دانشگاه است، لذا به چگونگی ورود و کیفیت آن کمتر توجه دارند.

طبق نتایج به دست آمده دیدگاه اعضای هیأت علمی نسبت به متمرکز بودن یا نبودن شیوه آزمون و تأثیر عوامل وضع موجود (معدل کتبی، نمره علمی، سمیه‌ها و پذیرش جنسیت) و سایر عوامل (سوابق تحصیلی، هوش و استعداد تحصیلی) برای پذیرش دانشجو تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول شماره ۶). تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که آنها خواهان بهینه کردن شرایط جذب دانشجو می‌باشند ولی با روشهای متمرکز موافقت کامل دارند به نظر می‌رسد اساتید بر این باورند که در ایران آموزش دانشگاهی در امتداد آموزش متوسطه و دبیرستانی است و نقطه عطفی به نام کنکور آنها را از هم جدا می‌نماید. این فرآیند در کشور ما قدمتی چهل ساله دارد. لذا نسبت به آن وفاقی عمومی حاصل شده و دیگر جایی برای شناخت بیشتر سایر شیوه‌ها باقی نمی‌گذارد، پختگی

و جا افتادگی روند متمرکز در جریان عمل، شاید از جمله دلایل موافقت اعضای هیأت علمی با شیوه آزمون متمرکز باشد.

براساس نتایج بدست آمده از سؤال پنجم تحقیق دلیل احتمالی این تفاوت به بینش مسئولان و نگرش آنها در رابطه با سیاست گذاری و برنامه ریزی جهت برخورد با چالش های موجود، مربوط است. ساختار جمعیتی جوان کشور ایران موجب شده تا بین تقاضای روز افزون ورود داوطلبان به آموزش عالی و تنگناهای ظرفیتی موجود تعادلی برقرار شود، لذا عدم اعتنا به این مهم خود می تواند چالشی اساسی به حساب آید. افزایش روز افزون درخواست ها و محدود بودن ظرفیت ها، موجب شده تا مسئولان نخواهند ساختار چهار ساله آزمون متمرکز به هم ریخته شود، آنها می خواهند با توجه به همین چار چوب پاسخی برای این چالش اساسی بیابند. در صورتی که می توانند با بررسی تطبیقی شیوه های پذیرش در کشورهای موفق جهان، اصول، ضوابط و شیوه های قابل انعطاف تری را پیشنهاد کنند.

طبق نتایج به دست آمده از سؤال ششم می توان استنباط کرد که بین دیدگاه های دانشجویان، اعضای هیأت علمی و مسئولان نسبت به شیوه آزمون متمرکز و عوامل وضع موجود برای پذیرش دانشجویان تفاوتی وجود ندارد (جدول شماره ۸). اینطور به نظر می رسد که دانشجویان و اعضای هیأت علمی و مسئولان با شیوه آزمون متمرکز به یک اندازه موافق می باشند. براساس نتایج بدست آمده از آزمون کراسکال-والیس و آزمون من-ویننی در سطح معنی داری ۰/۰۵ در سؤال هفتم تحقیق به نظر می رسد که اعضای هیأت علمی و مسئولان نسبت به شیوه غیر متمرکز دیدگاهی یکسان دارند (مخالفتند). و دانشجویان نسبت به شیوه غیر متمرکز با دو جامعه دیگر دیدگاهی متفاوت دارند به عبارتی نسبتاً موافق می باشند. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که دلایل مخالفت اعضای هیأت علمی و مسئولان با شیوه آزمون غیر متمرکز و سایر عوامل مؤثر بر پذیرش دانشجویان به خاستگاه و جایگاه اجتماعی، شغلی و موقعیتی آنها مربوط است. از آنجا که وجود مراکز متعدد تصمیم گیری در امر پذیرش دانشجویان و نیز برگزاری آزمون های مختلف خود موجب افزایش هزینه ها و اتلاف وقت داوطلبان می شود و از طرف دیگر کمبود ظرفیت ها و عدم استقلال

دانشگاه‌ها هم مزید بر مشکلات خواهند بود. لذا صلاح بر آن داشته‌اند که پذیرش دانشجو توسط ارگانی مستقل انجام گرفته و آزمون به صورت متمرکز برگزار شود.

با استفاده از نتایج حاصله از این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی در جهت بهبود شرایط پذیرش دانشجو در ایران و عوامل مؤثر در این فرایند ارائه نمود:

- با توجه به یافته‌های به دست آمده از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان در پاسخ به سؤال‌های مربوط به سهمیه‌ها مشخص است که وجود برخی سهمیه‌ها موجب بروز مشکلات عدیده‌ای از جمله ناراحتی و رنجش دانشجویان، عدم هماهنگی آنها در کلاسهای درس ... است، لذا پیشنهاد می‌شود تا در صورت امکان این نوع سهمیه‌ها با هم ادغام شده و یا به صورت ظرفیتی اضافی در آزمون سراسری اعمال گردد (در صورت داشتن حد نصاب علمی).

- با توجه به اینکه هر سه جامعه مسئولان، اعضای هیأت علمی و دانشجویان به تأثیر سوابق تحصیلی در آزمون سراسری تأکید داشته‌اند پیشنهاد می‌شود، ترکیبی از آزمون متمرکز و سوابق تحصیلی در آزمون سراسری اعمال شود، البته به شرطی که آزمون‌های هماهنگ در دوره متوسطه برگزار گردد. این کار موجب می‌شود تا دانش‌آموزان به دروس دبیرستانی و آموزش‌های دوره متوسطه توجه و حساسیت بیشتری نشان دهند.

- با توجه به اینکه بر اساس سؤال‌های باز پاسخ، مسئولان و اعضای هیأت علمی به جداسازی فرآیند سنجش از پذیرش اشاره نموده‌اند و این مسئله سالهاست که توسط صاحب‌نظران مطرح شده، لذا بهتر است سازمان سنجش آموزش کشور تنها به سنجش توانایی‌های علمی داوطلبان بپردازد و پذیرش را با توجه به شرایط خاص، به دانشگاه‌ها واگذار نماید. در واقع، سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان حلقه ارتباطی میان آموزش و پرورش و آموزش عالی ایفای نقش نماید.

- بر اساس نتایج به دست آمده از سؤال‌های باز پاسخ، دانشجویان علاوه بر سنجش علمی خواستار توجه به علائق، خلاقیت و استعداد‌های مهارتی و فنی می‌باشند. بنابراین بهتر است همراه با بخش علمی، آزمون‌هایی تخصصی و مهارتی (همانند برخی از رشته‌های بورسیه) برای پذیرش دانشجو در نظر گرفته شود.

منابع فارسی

- آقازاده، احمد. (۱۳۷۷). اصول حاکم برگزینش دانشجو در برخی از ممالک موفق جهان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- جاودانی، حمید. (۱۳۸۶). بررسی راه‌های افزایش دستیابی به آموزش عالی، جلد اول، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- حجازی، مهدی. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی و تحلیلی نظام گزینش دانشجو در کشور ایران و ممالک توسعه یافته (ژاپن، آلمان، انگلستان) به منظور ارائه الگوی مناسب، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- رحیمی، حسین. آقابابا، ابوالفضل. (۱۳۸۴). آشنایی با نظام جامع‌گزینش دانشجو در آزمون سراسری، تهران: راه دانشگاه. شماره ۲۵.
- سازمان‌سنجش آموزش کشور. (۱۳۵۴). طرح پیشنهادی گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها، تهران: سازمان‌سنجش آموزش کشور.
- عرب مازار، علی اکبر. (۱۳۷۱). نگرش سیستمی به مسائل آموزش عالی ایران. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی.
- کاردان، علی محمد. (۱۳۵۱). تاریخچه تحولات مسابقات ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران. تهران: نشریه ۲، دانشکده علوم تربیتی.
- قورچیان، نادرقلی، آراسته، حمیدرضا، جعفری، پریش. (۱۳۸۳). دایره المعارف آموزش عالی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، جلد دوم.
- مجتهدی، زهرا. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موقعیت در دانشگاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ناظم زمردی، ناهید. (۱۳۶۶). بررسی نظام گزینش دانشجو و اثرات آن بر توفیق تحصیلی دانشجویان دانشگاه تهران در سال‌های تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- نیک‌نژاد، عبدالحسین. (۱۳۸۱). دانشگاه ویژه روشی نو در پذیرش دانشجو، مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، انتشارات دانشگاه اصفهان.

منابع لاتین

- Aghazadeh, Ahmed .(1999). *'Principles governing students admission in certain progressive states'* Allame Tabatabai' university
- Arabmazar, Aliakbar .(1992). *A systemic view on the higher education affairs in Iran.* Tehran. Shahid Beheshti University.
- Dunn, E.M. & Salem, B.S. State College M.B.A, Suffolk University, Policy Implement Action Of Admissions Standards in State Colleges in Massachusetts.
- Ghorchyan Nader Gholi, Arasteh, Hamid Reza, Parivash .(2004). *'the Encyclopedia of Higher Education'* The Grand Persian Encyclopedia' 2nd Volume
- Harman, G.(1994).*Student Selection and Admission to Higher Education: Policies and Practices in the Asian Region*, Higher Education, VOL.27, NO.3.
- Hejazi , Mahdi (2007) *'A comparative & analytic review on the student admission criteria I Iran & other advanced states (i.e. Japan, Germany , Britain) as a suitable model .* MA thesis. Alame Tabatabai'
- Kardan , Ali Mohammad (1962). *the history of general university entrance examinations and higher educational and institutes in Iran'* Faculty of educational sciences.
- Mojtahedi , ZAhra (1995) *"The study on the relationship between the current student's admission criteria & their academic status* MA thesis. Alame Tabatabai' university.
- National Education assessment organization .(1975). *Proposed plan for student's admission in Universities.* Tehran.
- Nazemzomorodi, Nahid .(1987). *the study on the student's admission criteria and the effects on the educational performances of students in university of Tehran.* (1983-86) MA thesis, university of Tehran.
- Niknedjad, Abdulhossein (2002) *Special University. A novel method of student admission.* Proceeding of a seminar on university entrance examination affairs Esfahan.
- Rahimee, Hossein & Aghababa, Aboulfazel. (2005) *"Familiarity with comprehensive system for student's admission in general university entrance exam –* Tehran National education assessment organization.